

سیر دگرگونی دندان سازی و توجه به سلامت دندان در تاریخ جدید و معاصر ایران

کلبتین ایرانی، دندان ساز فرنگی

کرده است. منابع تاریخی ایرانی و غیر ایرانی روایت‌هایی جذاب از این مسأله ثبت کرده‌اند. پرونده امروز «روایت نو» سفری پرماجر را به حوزه تاریخ دگرگونی دندان و دندان سازی در تاریخ معاصر ایران در بر می گیرد؛ کوشیده‌ایم تصویری دقیق از این حوزه در قالب روایت‌های گوناگون از راه کنیم. آقای سعید میرسعیدی، دندان پزشکی و پژوهشگر تاریخ، بار ما در این سفر بوده‌اند؛ به ویژه در زمینه برخی تصویرها و نقاشی‌های تاریخی و نیز دو یادداشتی که تنظیم کرده‌اند.

پزشکی به شمار می آید. هر چند منابع تاریخی از توجه ویژه ایرانیان، هر چند با ابزارهایی سنتی، به مسأله دندان روایت کرده‌اند اما آنگونه که تاریخ نشان می دهد آشنایی ایرانیان با دندان سازی و دندان پزشکی نوین در میانه‌های دوره قاجار، مشخصاً از دوره حکمرانی ناصرالدین شاه انجام گرفته است؛ یک دگرگونی مهم که گویا از دستاوردهای سفرهای شاه کنجکاو قاجار به فرنگستان بوده است. شاه قاجار نیز به اندازه‌ای به مسأله دندان توجه نشان داده که دیگران را نیز با خود همراه

مهدی یساولی - دبیر روایت نو | آشنایی ایرانیان با دانش‌های نوین جهانی از میانه‌های دوره قاجار بدین سو، آرام آرام دگرگونی‌هایی مهم در جامعه را کد ایران در دوره قاجار پدید آورد. ایرانیان از همین دوره با بسیاری از مظاهر تمدن نوین غرب آشنا شدند و در این رویارویی، هم بهره‌هایی از آن بردند هم آنچه خود داشتند، به دنیای تازه عرضه کردند. پیدایش دندان سازی نوین یا به روایت علمی تر، دندان پزشکی، در تاریخ معاصر ایران، از حوزه‌های جذاب در زمینه دگرگونی علم



در توجه به دندان سازی در روزگار معاصر داشته، خود سرآمد کسانی بوده که در رسیدگی به سلامت دندان‌ها بسیار توجه می کرده‌اند. پای دندان‌سازان فرنگی به ایران در روزگار وی نیز از راه همین توجه به دندان‌های همایونی گشوده شده است. عین السلطنه در کتاب «روزنامه خاطرات عین السلطنه» آنجا که درباره خوش بختی این شاه قاجار نوشته «عیش و راحتی را خداوند برای این شاه تمام کرده، برای گواهی این آسایش تاکید می کند «هرگز یک شب ناخوش نشده. مدت‌العمر رنگ هیچ مرضی را ندیده. یک مرتبه دندان درد نکشیده». او بساز در تکمیل توجه‌های ناصرالدین شاه به دندان و دندان سازی، وضعیت واژگونه جانشین وی را ذیل سرفصل «فروق پدر و پسر» در این زمینه شاهد می آورد «در نظافت هم عکس پدرش بود یعنی در هر کاری، دندانهای جزوی شاف افتاده بود. باوجودی که سالی سه چهار دندان باژگونه جاننشین می‌داد هر چند دندان نگذاشت وقتی که خنده می کرد مثل سگهای پیر دهانش به هم می خورد و باز می شد». ناصرالدین شاه حتی در سفرهای فرنگستان نیز از رسیدگی به دندان‌ها باژگونه آگاهانه بود. «روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان» مشخصاً دو بار به این مسأله اشاره می کند «حکیم‌باشی طولوزان دندان‌ساز معروف اینجا را که اسمش موسیو مارتن است و از اهل فرانسه آورد دندان ما را سیمان زد، سیمان بسیار خوبی زد، خیلی قابل دندانسازی است ... قبل از چهار موسیو مارتن دندان‌ساز آمد جوهری زیاد داد، دستورالعمل که بعد استعمال کنیم تا بعد معلوم می شود چه اثر خواهد کرد، حالا به نظر دوا می خوردی می آید».

روایت علاقه ویژه پادشاه ماجراجوی قاجار به دندان و دندان سازی ناصرالدین شاه و دندان‌های همایونی

کالسکه نشسته آمدم منزل و خوابیدم اشخاصی که از ایرانی و فرنگی هاسر میز شام بامانشسته بودند از این فرزند... هینبند دندانساز... وی نه تنها در سفرهای فرنگستان، که در سفرهای داخل ایران نیز دندان ساز را همراه می برده است. شاه خوش ذوق قاجار در کتاب «روزنامه سفر ماژندران» چندین بار به این حضور اشاره کرده است «سه شنبه بیست و هفتم در شهرستانک اتراق شدد از ملتزمین که امروز رسیدند مسیو هنبه دندانساز فرنگی بود»، «سه شنبه هجدهم در چالوس اتراق شد... مسیو هنبه دندان ساز هم شاکر د». **رعایایی که**

باندان‌هایشان شناخته می شدند

دندان و سلامت آن از مسائلی برشمرده می شود که همواره نگاه ناصرالدین شاه را به خود می کشانده است. او در مسیر سفر سوم به فرنگستان، هفتش را که باز به نزدیکی ایهر، پس از دیدار با امام جمعه شهر، او را چنین وصف می کند «اسم امام جمعه میرزا ابوالفتح است، آن دفعه هم که آمدم فرنگ دوم رفتم او را دیدم این دفعه پیرتر شده است، دهنتش را که باز می کرد، دندانهای زرد دراز داشت چهار تا یکی، چهار تا دندانش ریخته بود یکی داشت». شاه در نزدیکی زنجان، دو انگلیسی را در کنار دندان سازش می بیند که توجه‌اش را بر می انگیزند «یکیش مرد بود یکی زن هر دو را آواز کردم گفتیم بیائید. جمده الله تمدن ما زن آه است و کثیفتر و نجس تر من ندیده‌ام... رنگه ناصرالدین شاه قاجار به روایت تاریخ، سهمی بسیار

منابع تاریخی از همراهی همیشگی یک دندان ساز فرنگی با ناصرالدین شاه در دورهای از حکمرانی وی آگاهی داده‌اند؛ دندان سازی که شاه قاجار به روایت عبدالله مستوفی در کتاب «شرح زندگانی من» در سفر دوم خود به فرنگ با خود به ایران آورده بود. شاه کنجکاو و متجدد قاجار در روزنامه خاطرات سفر دوم به فرنگستان بارها به دندان ساز یادشده اینگونه اشاره کرده است «در مسکو روز آخر اینبند دندان ساز از راه رشت وارد شد، دیده شد... دندانساز رفت به سوئد وطش، باز می آید... این روزها اینبند دندانساز از سوئد آمده است، موسیو کرترین دندانساز هم که در سفر اول با دندان مابازی می کرد آشنایی بود، با طولوزون چند روز است آمد [آ] اند، کرسی طرف بالای چپ را که اینبند تهران پر کرده بود، لق شده بود، تهران اینبند نتوانست در بیاید، اینجا چند روز کرترین کار کرده بالاخره بر آمد، بسیار ذوق کردم، ان شاءالله باید از نو پر کند».

دندان ساز فرنگی، نماز مهمیست

ناصرالدین شاه در سفر سوم به فرنگستان، دندان ساز ویژه خود را همراه می برد. او در کتاب «روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان»، چندین بار به همراهی دندان ساز اشاره کرده است «دندان ساز و طولوزان را امروز دیدم که آمده‌اند»، «خلاصه راندیم از دروازه رشت بیرون آمدم... افتادیم به نهار، امین السلطان، مجدالدوله، دندانساز، اعتمادالسلطنه، طولوزان بودند»، «الحمدلله تعالی این سفر سیم است که به فرنگ می رویم... پیشخدمت‌ها و همرا [ها] یکبار در این سفر با ما هستند از این قرارند: ... تانیت، [شاید دنتیست به معنی دندانساز]». خاطرات اشاره کرده در بیش تر برنامه‌های وی در فرنگ حضور داشته است «برخواست به پرنس در

دندان پزشکی و دندان‌های همایونی ناصرالدین شاه در دوره قاجار

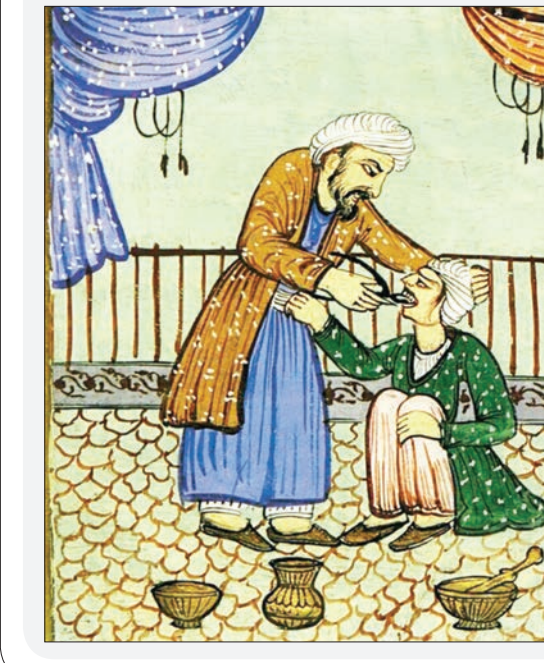
دندان پزشکی و دندان‌های همایونی ناصرالدین شاه

دندان پزشکی و دندان‌های همایونی ناصرالدین شاه

روش‌های سنتی درمان دردهای دندان در تاریخ ایران حجامت، نشاسته گرم و تریاک!

ایرانیان تا پیش از آشنایی با دندان پزشکی نوین، دردهای دندان را چگونه مداوا می کردند؟ پالودن دندان‌ها از چرک، یکی از راه‌هایی بود که برای سلامت دندان‌ها در پیش گرفته می شد. قهرمان میرزا سالور در کتاب «روزنامه خاطرات عین السلطنه» ذیل سه شنبه ۲۸ شهر رجب ۱۳۰۵ [می نویسد «به خانه دندانساز رفتم... دندانها را پاک کرد. خیلی سفید و خوب شد از پشت دندان چرک مثل دندان بیرون می آورد». او که کتاب پر برگ خود بارها به مسأله دندان درد خود اشاره کرده است، جایی دیگر روزنوشت‌هایش از روشی دیگر برای تسکین درد دندان یاد می کند «هرروز گرفتارم و متصل هر چه دارم باید به حکیم، دو آ خرچ کنم. پنج سال است مبتلا هستم و آنی آسوده نگذاشته. میرزا زین العابدین خان «کلرات» داد که در دهن بگیرم». او باز به همین روش اشاره می کند «سه روز است به شدت دردمی کند. هیچ دوا می این درد را هم بلد نیستم فقط کلرات مز مزه می کنم». عین السلطنه از یک راه دیگر برای تسکین درد دندان پیله کرده نام می برد که البته برای او چندان نتیجه بخش نبوده است «دندان من پیله کرده و بسیار زحمت می دهد از کلرات نداشتند آورده بودم هم گرم کرده به دهن گرفتم، اما نتیجه نداد». چرخاندن آب گرم در دهن و نوشیدن چای تلخ، از دیگر راه‌های ربایی از درد دندان به شمار می آید که وی در کتاب خاطرات خویش بدان اشاره می کند که البته یک نتیجه بیش تر نداشته است «ساکت نشد» او اما به روشی اشاره می کند که دست کم یک بار نتیجه داده است «با دستمال محل درد دندان را گرفته بودم... دم منقل نشسته دندانم را گرم کردم. فناستین خوردم کم کم خوب شد».

جعفر شهری درباره راه‌هایی که عوام برای رویارویی با درد دندان پیش می گرفته‌اند، در کتاب «طهران قدیم» بسیار سخن رانده است. به روایت این تاریخ‌نگار فرهنگ و زندگی مردم تهران در روزگار قاجار و پهلوی، حجامت در نگاه مردمان تهران قدیم «مادر تمام درم‌ها» از جمله «درد دندان» بوده است. شهری، به باورهایی در زمینه معالجه درد دندان اشاره می کند که در میان مردمان گذشته رواج داشته است «اگر دندان می کشید میگفتند این مقدمه دندان درد است که باید آنرا با آب نمک غلیظ شستشو نمایند، با کباب گرم بگذارند، یا ساقه‌ی خرفه بچوند. اگر دندان‌ی پیله می‌کرد لعاب کثیرا، نداشتند، آب گرم دما دم در دهن می‌گرفتند و در بیرون دستمال آب داغ می‌انداختند... اگر دندان درد از سردی بود میگفتند که باید فلفل یا زنجبیل سائیده بر آن گذارند، یا غسل و فلفل بمالند. اگر از گرمی بود میگفتند باید سرکه و گلاب و کافور و تریاک بمالند. اگر از باد بود باید بادیان و زیره را جوشانده نیچرم پای دندان بگیرند، یا بادیان جوشانده با نبات بخورند، که این (باد) دندان‌ی که دره شدید عارض مینمود بسیار در آذهان بود و غالباً هر نوع درد دندان را از باد میدانستند که باید آنرا با دعا بادبندی نمایند». نگارنده «طهران قدیم» در توصیف درمان دندان کرم خورده نیز چنین می نویسد «اگر درد دندان از کرم بسود که علامتش از کرم خوردگی ظاهر می‌گردد: تخم تره و پیپز را باید بهم مالیده در آتش اندازند و بوسله لوله‌ای، چیزی قیف مانند دود آنرا بندگان رسانند که کرم‌ها را با آن هلاک بکنند، یا گهگاه سرکه‌ای که از شراب بدست آمده باشد در دهن بگیرند». او سرانجام از ساده‌ترین راه علاج این درد پرده بر می دارد «و ساده‌ترین راه علاج هرگونه دندان درد بود که بر آن تریاک بگذارند، با بمقدار چند نخود از آن بصورت کشیدن استعمال نمایند که آنرا فاروق اعظم میدانستند». شهری از «بخور اسفند» نیز یاد می کند که «آنرا جوشانده بخار آن بر دندان درنکند برای برسانند دفع درد آن میشود». بخشی از روش‌هایی که در مردمان روزگار گذشته برای تسکین دردهای دندان بدان‌ها روی می آورده‌اند، در نوشته‌های جعفر شهری اینگونه آمده است «خوردن آب پخته بیخ انار، پاشیدن سائیده گل انار بر لثه، گذاشتن برف بر دندان دردناک یا پاشیدن خردل بر آن و نیز مالیدن روغن خردل، جویدن و مسواک کردن زردچوبه، جویدن برگ تازه زیتون برای درمان زخم دندان و مخلوط پخته برگ زیتون و آب غوره برای از میان بردن کرم دندان، مضمضه آمزماز سرکه و مالیدن روغن سریش بر دندان دردناک».



ناصرالدین شاه گویا پیش تر به طنز و شوخی این لقب را به او داده بوده است. هاتری زنه دالماتی، لقب‌انگیز فرانسوی در کتاب «سفرنامه از خراسان تا بختیار» چنین روایت کرده است «شده فک‌الملک زبانی چپاخانه نزد ما آمد و برای سرگرم کردن ما داستان دندانساز ناصرالدین شاه را که یک نفر سوئدی بود برای ما نقل کرد. داستان دندانساز ششاه؛ گفت: ناصرالدین شاه پنشوخ و تفریح میل زیادی داشت و بجراح دندانساز خود لقب فک‌الملک داده بود، البته هرکس چنین لقبی را می شنید بی اختیار خنده میکرد ولی این لقب بر عکس سایر القاب چندان بی مناسبت نبود». سروس سعدوندیان در نوشتار «بقال بازی، دوشاب‌الملک، تیاتر کریم شیرهای (نوگستری بحثی چند ده ساله)» نیز متقدانه می نویسد «تعدد، تکرر، و تشابه القاب چندان بالا گرفت که گاه خود ناصرالدین شاه، به جد یا به هزل، در اختراع و اعطای القاب غریب می کوشید؛ از

لقب مسن السلطنه بسیار مشهور بوده و بیش تر، از این دندان ساز بدین نام یاد کرده‌اند. یارمحمدخان سهام‌الدوله بجنوردی در کتاب سفرنامه خود که دستاورد دو سفر به تهران در سال‌های ۱۳۰۷ و ۱۳۱۲ قمری بوده، نوشته است که در هر دو سفر به دکتر هیبنت برای ساخت دندان مصنوعی مراجعه کرده است «سه ساعت از دسته گذشته رفتم منزل مسن السلطنه مسیو هنبت خان دندانساز. سفارش دادم دو دهن دندان بسازد... چهار ساعتی رفتم باشد. دندانهای سفارشی من را ساخته بود. امتحان کرده بر گشتم منزل». نکته قابل توجه این که او نیز در سفر نخست لقب مسن السلطنه را هیچ جا به کار نبرده و البته در سفر دوم دو بار به این لقب اشاره کرده است.

و منبع دیگر، از دندان ساز مخصوص شاه که احتمالاً همین دکتر هیبنت بوده است، با لقب‌های «فک‌الملک» و «فک‌الممالک» هم نام برده‌اند.

داده اند و حال آنکه یک ماه قبل در روزنامه اعلان مفصلی کردند که لقب و مناصب موقوف مگر به بعضی شرایط که درج شده بود که هرگز در ایران صورت نخواهد گرفت. تا حال صد مرتبه این طور اعلان کرده‌اند. این مسئله خلاف و محض غرض نیست. هر کس روزنامه جات را دیده باشد و کتب شناخته داشته باشد ملاحظه کند معلوم می شود. مثلاً «هبت» دندانساز که مدتی است در ایران و خدمت شاه می‌باشد لقب مسن السلطنه گرفته. «هبت» اهل سوئد است... خیلی حکایت است. خوب است سایر دندانسازها را هم این قسم لقب دهند و یقین دارم خواهند گرفت، باعبات السلطنه، تواجد السلطنه و غیره و غیره». این تاریخ‌نگار دوره قاجار در جایی دیگر باز می نویسد «لقاب تازه که داده شده یکی مقبل السلطنه، دیگری وثوق الدوله، صدق الملک، مسن السلطنه، جمده الله تمدن ما در این قلیل مدت از زاین گذشته. چیزی که بلد هستیم لقب و منصب دادن است».

دندان پزشکی و دندان‌های همایونی ناصرالدین شاه

مسن السلطنه و فک‌الممالک

نگاهی به القاب دندانپزشکان در دوره قاجار

استفاده نکرده او را «مسیو هبنه خان دندان ساز» نامیده است. این تاریخ‌نگار دربار قاجار اما در شرح مناصب سال‌های ۱۳۱۱ و ۱۳۲۴ قمری از او به عنوان «مسیو هیبنت خان مسن السلطنه» یاد کرده است. نام برده است. این نشان می دهد لقب یادشده احتمالاً در سال‌های ۱۳۱۰ یا ۱۳۱۱ قمری اعطا شده است.

به این دندان ساز فرنگی و لقباش اما در منابعی گوناگون، البته گاه با کنایه اشاره شده است. قهرمان میرزا سالور در کتاب «روزنامه خاطرات عین السلطنه» در این باره می نویسد «لقبهای زیاد

سعید میرسعیدی - دندان پزشکی و پژوهشگر تاریخ | پزشکان در دوره قاجار همواره القاب فاخر داشته‌اند. سلطان‌الحکما، حکیم‌الممالک، فخرالاطبا، معتمدا لاطبا، ناظم‌الاطبا و ملک‌الحکما، لقب‌هایی از این دست‌اند. اما دو مورد جالب می‌بینیم که ناصرالدین شاه قاجار به دندان پزشکی خود نیز به رسم تشریفات آن روزگار لقب اعطا کرده است. دکتر هیبنت سوئدی یک سال پیش از قتل ناصرالدین شاه، پس از حدود بیست و پنج سال خدمت در دربار در سال ۱۳۱۲ قمری از سوی شاه لقب جالب و قابل توجه «مسن السلطنه» گرفته است. احمد هاشمیان در نوشتار «استخدام اولین دندانپزشکار اروپایی در سال ۱۲۹۳ ه‍.ق و پایه گذاری دندانپزشکی نوین در ایران» به این مسأله اشاره کرده است. این مورد به خوبی می‌تواند وضع القاب در آن دوره و ارتباط‌شان را با شغل و خدمت اشخاص نشانگر باشد. لقب و لقب‌بازی در آن دوره بسیار معمول بوده